اوقات شرعی به افق تهران

اذان صبح	اذان ظهر	اذان مغرب
۱۱/۴۸	۱۷/۳۰	۵/۰۱
طلوع فجر	**طلوع آفتاب**	**غروب آفتاب**
۱۷/۱۱	۲۳/۰۶	۶/۲۵

اوقات شرعی به افق مشهد

اذان صبح	اذان ظهر	اذان مغرب
۱۱/۱۵	۱۶/۵۶	۴/۲۸
طلوع فجر	**طلوع آفتاب**	**غروب آفتاب**
۱۶/۳۷	۲۲/۳۳	۵/۵۳

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس
وابسته به آستان قدس رضوی
مدیرعامل و مدیر مسئول: علی یعقوبی
سردبیر: سید محسن اسدی

● آدرس دفتر مرکزی مشهد: بلوار سجاد، نبش سجاد ۱
● تلفن: ۱۱-۳۷۶۸۵-۱۳ (۰۵۱)
● صندوق پستی: ۵۷۷ - ۹۱۷۳۵
● دفتر تهران: بلوار کشاورز، بین کارگر و جمالزاده شماره ۳۳۹
● تلفن: ۶۶۹۳۶۵۷۵ (۰۲۱)
● نمابر: (داخلی ۱۲۲) ۶۶۳۳۰۱۲۲ (۰۲۱)
● پیامک: ۳۰۰۰۳۵۷۷
● آژانس‌های عرضی: ۳۷۲۱۰۰۸۶ (۰۵۱)
● امور مشترکین: ۳۷۶۱۵۰۴۳۰۵ (۰۵۱)
● روابط عمومی: ۳۷۶۲۳۸۸۲ (۰۵۱)
● نمابر سردبیر: ۳۷۶۸۳۰۰۳ - ۳۷۶۱۰۰۸۷ (۰۵۱)
● سازمان آگهی‌ها: ۳۷۶۲۸۲۰۵ - ۳۷۰۸۸ (۰۵۱)
فاکس: ۳۷۶۱۰۰۸۵ (۰۵۱)
● سفارشات چاپ: ۳۷۶۲۶۵۹۶ (۰۵۱)
● چاپ مشهد: مجتمع چاپ و نشر قدس
● چاپ همزمان تهران: چاپخانه جام‌جم

حرف امروز

برای چی برگشتی؟

چند روز پیش در همین صفحه نوشتیم فقط در سه سال گذشته، ۷۰ استاد از دانشگاه صنعتی شریف چمدان‌هایشان را بستند و رفتند. آن موقع فکر می‌کردیم ماجرا فقط مهاجرت است، اما حالا می‌بینیم نیمی از ماجرا مربوط به رفتن است و مابقی به برگشتن ولی در ایران نماندن! چون بعضی‌ها هم که بعد از کلی تحصیل و ریاضت برگشته‌اند تا چیزی از دانسته‌هایشان خرج این خاک کنند، همین که می‌خواهند وارد کلاس شوند، به بهانه‌های مختلف مُهر عدم صلاحیت می‌خورد روی پیشانیشان. مثلاً ممکن است مدرک معتبر دکترا از دانشگاه پرینستون در مقابل چند تا عکس یادگاری دوستانه کم بیاورد! شوخی نمی‌کنم. «خبرآنلاین» از قول ابراهیم آزادگان، استاد دانشگاه صنعتی شریف درباره مهاجرت استادان دانشگاه نوشته است: «یکی از بچه‌های سمپاد، پزشکی دانشگاه تهران قبول می‌شود... بعد به فلسفه علاقه‌مند شد و رفت آمریکا دکترای فلسفه گرفت، کسی که خیلی عاشق ایران بود، اتفاقاً چند سالی آمد در دانشگاه ما تدریس کرد، اما برای امضا کردن چند بیانیه با او قطع همکاری کردند و دوباره به آمریکا برگشت... کسی که در فلسفه، دکترای خودش را از دانشگاه پرینستون گرفته باشد کم داریم.

این فردی که به شما می‌گویم دکترای خودش را از این دانشگاه گرفت، با او صحبت کردم که برای تدریس به دانشگاه شریف بیاید و اتفاقاً قبول هم کرد. یک ترم در دانشگاه درس داد و مورد تأیید هیئت جذب هم قرار گرفت، اما گزینش اجازه نداد، فکر می‌کنید چرا؟! از او یک عکس پیدا کرده بودند که با چند تا دختر و پسر در آمریکا رفته بود کافه... البته اصل ماجرا این بود که نمی‌خواستند اجازه بدهند کسی که در آمریکا تحصیل کرده در دانشگاه تدریس کند و آن عکس را بهانه کردند. یک مورد دیگر هم دانش‌آموخته فلسفه در دانشگاه سوربن بود که برای تدریس به ایران برگشت، اما رسماً به او گفته بودند اصلاً برای چه برگشتی؟ ما در ایران هیچ‌وقت به شما کار نمی‌دهیم، ما اجازه نمی‌دهیم تفکرات شما در دانشگاه تدریس شود!».

درباره داغ‌شدن بازار برنامه‌های تلویزیونی گفت‌وگومحور در فضای مجازی

چطور اتفاق افتاد؟

مجید تربت‌زاده | بگذارید ببینیم چطور اتفاق افتاد؟ ماجرا به سال‌های دور و تاریخ و این‌جور چیزها مربوط نمی‌شود. حرف همین ۱۰ سال و حتی پنج یا ۶ سال اخیر است. البته یک سرِ ماجرا برمی‌گردد به مقولاتی مثل تغییر ماهیت و کارکرد رسانه‌ها، تغییر جایگاه رسانه‌های رسمی، قدرت یافتن شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آنلاین، ظهور شبکه نمایش خانگی و... که سبب شدند در یک اتفاق مبارک، انحصار تریبون‌داری و تولید محتوا از دست رسانه‌های رسمی و دولتی خارج شود. برنامه‌های گفت‌وگومحور، رئالیتی شو، تاک‌شو و... که این روزها شبکه نمایش خانگی و مهم‌تر از آن اینترنت را پرکرده‌اند و البته هر از چندی یکی از آیتم‌هایشان جنجالی می‌شود، نتیجه همین اتفاقی است که بالاتر گفتیم.

■ خوابیدن در باد انحصار

سرِ دیگر ماجرا هم برمی‌گردد به سیاست‌های رسانه‌ای، رسانه ملی و رسمی، صداوسیما یا هرچه دوست دارید اسمش را بگذارید. یعنی در همه این ۱۰ سال گذشته که با معیارهای جهان فناورانه و سریع امروز واقعاً زمان زیادی محسوب می‌شود، سیاست‌گذاران رسانه‌ای ما تقریباً مثل من و شما فقط تماشاگر تغییرات سریع در عرصه رسانه، اطلاع‌رسانی، تولید محتوا و... بودند! خوابیدن در باد انحصار رسانه‌ای و پافشاری بر روش‌های قدیمی تولید محتوا و البته کمی هم درک غلط یا دیرهنگام از قدرت نفوذ و کارکرد رسانه‌های نوین، کمک کرد تا درنهایت شاهد وضعیت ناگزیری باشیم که دیر یا زود باید اتفاق می‌افتاد.

خلاصه و ساده‌اش اینکه محدودیت‌ها و کنترل‌های اعمال‌شده بر رسانه‌های سنتی هم به ماجرا سرعت بخشید تا خیلی از تولیدکنندگان محتوا و برنامه‌سازان به سمت پلتفرم‌های آنلاین و برنامه‌های اینترنتی سوق داده شوند. برنامه‌ها و نمونه‌هایی مثل «پامپ» امیرحسین قیاسی، «باضیا»ی علی ضیاء، «آزاد»، «رُک» واشقانی و... در تداوم چنین شرایطی متولد شدند و حالا هم می‌شود گفت بخش اعظم توجه و بازدید در اینترنت را به خودشان اختصاص داده‌اند.

این نکته هم قابل توجه است که طی رخ دادن این اتفاق، صداوسیما که خودش زمانی پایه‌گذار تولید محتواهای متفاوت و نو بود، همچنان داشت برای حفظ جایگاه و مرجعیت رسانه‌ای خود - البته به سبک و سیاق ۲۰ سال پیش - تلاش می‌کرد! و در این تلاش ناکام، برنامه‌ها و نمونه‌های تقریباً موفق و قابل رقابت سیما مانند «شیوه» هم به مرور به برنامه‌ای عادی و کم‌چالش تبدیل شدند که اندیشمندان جامعه چندان تمایلی به حضور در آن ندارند. این در حالی بود که برخی از مشهورترین چهره‌ها و مجری‌های چنین محتواهایی که اولین بار در تلویزیون چهره شده و بعد هم به شهرت رسیده بودند حالا با درک و شناخت وضعیت موجود کوچ به شبکه نمایش خانگی و پلتفرم‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی را آغاز کرده بودند. عادل فردوسی‌پور، فریدون جیرانی، میلاد دخانچی که با برنامه «جیوگی» به شهرت رسید، احسان علیخانی، رامبد جوان و علی ضیا از جمله مهم‌ترین چهره‌هایی محسوب می‌شوند که در فضای آنلاین به کار تولید برنامه‌های گفت‌وگومحور مشغول شده‌اند.

■ امیدواری‌ها

خب... حالا به وضعیتی رسیده‌ایم که لابد و ان‌شاءالله سیاست‌گذاران و متولیان عرصه فرهنگ و هنرمان هم متوجه شده‌اند که زمین بازی و لاجرم بازیگران و بازیکنانش عوض شده‌اند. دست‌کم در زمینه برنامه‌های گفت‌وگومحور و جایی که قرار است موضوعات مختلف حوزه جامعه، فرهنگ، سیاست و اندیشه، بالا و پایین شوند، انحصار از بین رفته، سلیقه‌ها و نسل تازه وارد میدان شده‌اند و به قول ورزشکاران، ترکیب و آرایش تیمی بازیگران و عوامل این صحنه تغییر اساسی کرده است.

اینترنت و فناوری‌هایش، دربست در خدمت ارتباطات اجتماعی بیشتر است و داعیه ترویج آزادی بیان را دارد و برای این مهم به انتشار محتواهای جذاب و رنگارنگ و بدون سانسور می‌پردازد. از سوی دیگر رسانه‌ای مثل «یوتیوب»، برای تولیدکنندگان محتوا امکان کسب درآمد به صورت دلاری را فراهم کرده و فضای جذابی هم برای مخاطبان و هم برای برنامه‌سازان آزاد فراهم است تا بدون محدودیت‌های دست و پاگیر و نامعقول، واقعیت‌های جامعه‌شان را بازتاب دهند. بنابراین نمی‌شود توقع داشت چهره‌ها و سلبریتی‌های ایرانی که در زمینه تولید محتوای امروزی و متفاوت فعال‌اند فقط به فعالیت در سیما یا وجود فضای رسمی و محدودیت‌هایش بسنده کنند. دستاورد اولیه این ماجرا وضعیتی است که امروز و در نمونه‌هایی چون «آزادی»، «پامپ۲»، «رُک» و «باضیا» شاهدیم. شفافیت در گفت‌وگوها، موضوعات مورد بحث، میهمانان خاص با هر نوع اندیشه و از هر طیفی و صراحت لهجه‌ای که چنین برنامه‌هایی دارند در نگاه اول مخاطبان سختگیرتر را به این نکته امیدوار می‌کند که اگر وضعیت تولید محتوا با همین فرمان ادامه پیدا کند، می‌توان در کوتاه‌مدت شاهد پوشش دادن همه سلیقه‌ها بود و در بلندمدت به ارتقای سطح و عمق اندیشه مخاطب عام فکر کرد. بالا بردن قوه تشخیص مردم نیز از دیگر مقولاتی است که می‌شود به آن دل بست.

■ نگرانی‌ها

این‌هایی که گفتیم وجه مثبت ماجرا و امیدواری‌هایی است که می‌شود بابت اتفاق رخ داده، داشت. اما از بخش نگران‌کننده ماجرا هم نباید غافل شد. بدیهی است که وقتی از مقولاتی مثل تولید محتوا آن هم بر مبنای آزادی بیان، شفاف‌سازی و توجه به نیازها و سلایق مخاطبان امروزی حرف می‌زنیم، مسئله پیچیده می‌شود. از سوی دیگر وقتی پای دغدغه‌های اقتصادی و امر مهمی مثل «اقتصادتوجه» و ضرورت سرگرمی‌سازی وسط می‌آید، نمی‌توان و نباید فقط دغدغه ارتقای سطح اندیشه مخاطب را اصل قرار داد. کار به اینجا که می‌رسد متوجه می‌شویم محتواهای تولید شده امروزی هرچه بیشتر به سمت مسائل روتین روز و همچنین آدم‌های معمولی‌تر اما مشهور جامعه می‌روند، بیننده و مخاطب بیشتری پیدا می‌کنند.

حامیان مالی و تأمین‌کنندگان هزینه‌های چنین برنامه‌هایی هم نباید از نظر دور بمانند؛ چون قطعاً در انتخاب سوژه و موضوع برای این تولیدات تأثیرگذارند.

بنابراین خیلی کم‌توقعی تان نشود که بعضاً شاهد باشیم برخی از این برنامه، برای ماندن در عرصه رقابت و نیفتادن در ورطه تکرار، آرام آرام به سمت ابتذال و حتی گاهی سخافت حرکت می‌کنند. وقتی هم قسمتی از فلان برنامه به صحنه تفاخر و پز دادن و ترویج تجملات تبدیل می‌شود و در رسانه‌ها جنجال به راه می‌افتد، متأسفانه (و برای عوامل برنامه خوشبختانه) میزان دیده‌شده و بعد هم درآمد سازندگان بالاتر می‌رود و آن‌ها را برای ساخت بخش جنجالی‌تر ترغیب می‌کند! حالا و آخر مطلب، یک‌بار دیگر بیایید ببینیم چه اتفاقی افتاده و به کجا رسیده‌ایم. بعد از همه تغییرات سریع و عجیب و غریبی که بالاتر گفتیم، صداوسیما هنوز دست از تقلا برنداشته و با انبوه مسابقات و شبه‌شوهای تلویزیونی با مجریانی که پیش از این مجری نبوده‌اند دارد پشت سر تولیدات اینترنتی و شبکه نمایش خانگی می‌دود! ابتذال، لودگی و بیهودگی هم در برخی از تولیدات شبکه نمایش خانگی یا اینترنت، ادای سرگرمی‌سازی را درمی‌آورد و نانش را می‌پزد. چندتایی از برنامه‌های جدی‌تر هم هستند که تا امروز به لطف درک درستی که از فضای مجازی، ذائقه مخاطبان، طنز، آزادی بیان، شفافیت و... دارند، شاخ‌ها و داغ‌های تولید محتواهای نوین محسوب می‌شوند و هنوز به تکرار مکررات نیفتاده‌اند. حالا شما بگویید در این ماجرا برای سیاست‌گذاران فرهنگی ما، آن‌هایی که باید با تدبیر، رتق و فتق امور فرهنگی را به عهده بگیرند و چرخه تولید محتوا در فضای مجازی را با درایت بچرخانند، چه اتفاقی افتاده است؟

رؤیای ابرقهرمانی

اینکه بتوانید با پاهای خودتان مثل شخصیت‌های ابرقهرمانی حرکت کنید رؤیایی است که با وسیله‌ای به نام «هایپرشل پرو ایکس» رنگ واقعیت گرفته است. این وسیله یک اسکلت بیرونی است که در نگاه اول شبیه تجهیزات کوه‌نوردی به نظر می‌رسد، اما با بستن بندها و روشن کردنش، دنیای متفاوتی آغاز می‌شود. این اسکلت هوشمند با ۱۰ حالت از پیاده‌روی تا دوچرخه‌سواری و دویدن، وزن را بازتوزیع کرده و فشار روی زانو و مچ پا را کاهش می‌دهد. حتی حمل بارهای سنگین دیگر ترسناک نیست و مفاصل کمتر آسیب می‌بینند. اپلیکیشن همراه، کنترل حالت‌ها را ساده می‌کند و با ال‌ای‌دی‌های رنگی، شما را از حالت «اکو» تا «هایپر» هدایت می‌کند. پرو ایکس همچنین به شما وفادار است؛ چراکه پاها را بالا می‌کشد، شتاب می‌دهد و حس ابرقدرت به شما می‌دهد، بدون اینکه شما را از حس طبیعی بدن دور کند.

کولر شخصی مغز

مثل ما که برای فرار از گرما به کولر یا پنکه پناه می‌بریم، مغز هم گهگاه نیاز دارد خودش را خنک کند و جریان خون را تازه نگه دارد. حالا اینکه این کانال خنک‌کننده درون مغز چگونه باز می‌شود، محققان می‌گویند خمیازه نقش یک رادیاتور کوچک را دارد. با هر خمیازه، جریان خون در سر افزایش می‌یابد، هوای تازه از دهان و بینی عبور می‌کند و مغز دوباره هوشیار می‌شود.

خمیازه همچنین به مغز کمک می‌کند بین حالت‌های مختلف ذهنی جابه‌جا شود، از خواب به بیداری، از بی‌حوصلگی به تمرکز و از آرامش به فعالیت. جالب اینکه خمیازه مسری است و این یعنی دیدن خمیازه دیگران مثل زنگ هشدار جمعی عمل می‌کند و گروه را همزمان سرحال می‌آورد. پس برخلاف باور رایج، خمیازه‌کشیدن ارتباطی با کمبود اکسیژن ندارد.

موسیقی نجات‌بخش

گوش کردن به موسیقی که فقط برای میهمانی یا ترافیک و موقعیت‌های مشابه نیست و به نظر می‌رسد حالا کاربرد پزشکی هم پیدا کرده است. مثلاً محققان دانشگاه موناش می‌گویند گوش دادن یا نواختن موسیقی در سالمندی می‌تواند مغز را تیز نگه دارد و خطر زوال عقل را تا ۳۹ درصد کاهش دهد. در پژوهشی روی بیش از ۱۰ هزار فرد بالای ۷۰ سال، مشخص شد کسانی که روزانه با موسیقی سر و کار دارند، حافظه و تمرکز بهتری دارند و ذهنشان دیرتر دچار فراموشی می‌شود.

نکته جالب اینکه تأثیر گوش دادن و نواختن تقریباً مشابه است؛ انگار موسیقی در هر حال نسخه‌ای برای مغز است. دانشمندان می‌گویند ملودی‌ها بخش‌های مربوط به حافظه، احساسات و پاداش را در مغز فعال می‌کنند. این یعنی آهنگ‌هایی که گوش می‌کنید بی‌آنکه بدانید، مشغول تمرین دادن مغزتان هستند.

۴ هزار قدم ناقابل

عُمراً اگر به ذهن کسی برسد که راز طول عمر به جز رعایت رژیم‌های سخت غذایی و مدیتیشن‌های طولانی، در قدم زدن‌های معمولی هم نهفته باشد آن هم تنها با ۴ هزار قدم ناقابل در یک یا دو روز هفته. پژوهش تازه دانشگاه هاروارد می‌گوید همین میزان ساده پیاده‌روی می‌تواند خطر مرگ زودرس را تا ۲۵ درصد کاهش دهد. محققان البته تأکید می‌کنند لازم نیست هر روز ورزشکارِ حرفه‌ای باشید و همان قدم‌های جمع‌شده در چند روز هفته هم حسابی به نفع قلب و عمرتان کار می‌کنند.

نکته جالب اینکه بدن تعداد روزهای ورزش را نمی‌شمارد و فقط مجموع قدم‌ها را جمع می‌زند. پس اگر برای باشگاه رفتن هزار بهانه دارید، همین چند قدم رفت‌وبرگشت تا سوپر محل یا سایر فعالیت‌های مشابه هم جزو ۴ هزار قدم حساب می‌شود و حکم همان بیمه عمرتان را دارد.

سالن‌های مجهز و مدرن همایش و کنفرانس خبری
مؤسسه فرهنگی قدس

سالن همایش	سالن کنفرانس خبری	اتاق ویژه جلسات
۲۲۰ نفر	۱۱۰ نفر	۲۵ نفر

شماره تماس رزرو و هماهنگی
(۰۵۱)۳۷۶۸۵۰۱۱
مشهد: نبش سجاد یک

ویدئوپراکتور | پرده نمایش و تلویزیون | اتاق مانیتورینگ | تجهیزات صوتی پیشرفته | مکالمات تصویربرداری | سالن پذیرایی مجزا

آگهی مناقصه

سند کمپانی و سند مالکیت (برگ سبز) وانت پیکان ۱۶۰۰ ای مدل ۱۳۸۶ به رنگ سفید روغنی و شماره موتور ۱۱۲۸۶۰۰۳۹۹۴ به شماره شاسی ۳۰۵۲۰۷۷۴ و شماره پلاک ایران ۴۲ _ ۹۶۶ د ۳۵ به مالکیت علیرضا گل سند مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردیده است.

آگهی مفقودی

برگ سبز ،سند و فاکتور فروش خودرو سواری پراید ۱۳۲ به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور ۴۵۱۴۲۶۰ به شماره شاسی S۵۴۲۰۰۹۰۰۱۹۴۹۲ به شماره پلاک ۴۲۳ج۶۵ ایران ۹۵ به مالکیت محمد صدیق فیروزی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

آگهی مفقودی

سندسفیدکمپانی موتور سیکلت هندا توس نو مدل ۱۳۹۵ به رنگ بنفش به شماره موتور ۰۱۲۵N۳N۰۱۶۳۴۰ به شماره تنه ۱۲۵T۹۵۶۱۹۲۲ به شماره پلاک انتظامی ۷۷۴ ۶۷۳۳۶ به مالکیت کامبیزآریانیک مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط میباشد. تربت جام

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری دنا تیپ DENA+EF۷P رنگ مشکی - متالیک مدل ۱۴۰۴ به شماره شهربانی ۸۱ ص ۳۱۸ ایران ۳۶ و شماره شاسی NAAW۹۱HKASDL۱۹۷۱۴ و شماره موتور ۱۴۷H۰۹۱۲۳۷۴ به مالکیت محدثه قریشی برسری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می گردد.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری دنا تیپ DENA+EF۷P- TCA رنگ مشکی - متالیک مدل ۱۴۰۳ به شماره شهربانی ۶۸ ه ۷۴۴ ایران ۴۲ و شماره شاسی NAAW۶۱HYEDD۵۱۶۲ و شماره موتور ۱۵۳H۰۲۰۵۴۱۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می گردد.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری هاچ بک پژو تیپ ۲۰۶ رنگ مشکی مدل ۱۳۸۰ به شماره شهربانی ۴۹ ط ۷۱۱ ایران ۱۲ و شماره شاسی ۰۰۸۰۶۰۵۹۰۴ و شماره موتور ۱۰FSD۸۳۶۳۹۶۴۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می گردد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سواری پراید صبا جی تی ایکس مدل ۱۳۸۲ رنگ سفید به شماره موتور ۰۰۵۳۷۸۸۴ و شماره شاسی ۸۱۴۱۲۲۸۲۹۹۲۹۷۷ و شماره پلاک ایران ۷۴ - ۵۳۹ ل ۱۵ بنام مهدی زمندی مفقود شده و اعتبار ندارد.

آگهی مفقودی

مدرک موقت پایان تحصیلات اینجانب پوریا نوایی میل کاریز فرزند احمد با شماره ملی ۰۹۲۷۴۶۵۹۵۹ صادره از مشهد در مقطع کارشناسی رشته تربیت بدنی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به نشانی: استان خراسان رضوی ،شهرستان مشهد، قاسم آباد - چهارراه استاد یوسفی - پردیس دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ،شهید سلیمانی ، اداره امور فارغ التحصیلان ارسال نماید.

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی

سند مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری پراید ۱۳۱SX مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید و شماره موتور ۴۰۴۰۰۷۲ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۰۷۴۷۵۵۹ و شماره پلاک ایران ۴۲ _ ۴۸۷ ق ۷۶ به مالکیت علی نصیری نژاد مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردیده است.

آگهی مفقودی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب نیلوفر قاسمی فیروزآبادی فرزند نادر به شماره شناسنامه ۰۹۲۰۱۵۵۱۱ صادر از مشهد در مقطع کارشناسی رشته زیست شناسی سلولی مولکولی گرایش بیوتکنولوژی(زیست فناوری) صادره از واحد دانشگاهی آزاد نیشابور مفقود گردیده است و فاقد اعتبار میباشد. از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور ، بلوار پژوهش ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور اداره دانش آموختگان ارسال نمایید.

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی

« مناقصه عمومی » نوبت اول

شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی در نظر دارد فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی فشرده به شرح ذیل از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید. کلیه مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند . تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ۱۴۰۴/۰۸/۰۸ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرایند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد.

ردیف	موضوع مناقصه	شماره فراخوان	مبلغ برآورد کار	مبلغ تضمین فرایند ارجاع کار	مهلت دریافت اسناد	مهلت تحویل پیشنهاد
۱	فاز دو شبکه توزیع آب شرب مسکن ملی بردسکن	۲۰۰۴۰۰۱۴۴۶۰۰۰۱۴۶	۷۷،۶۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (هفتاد و هفت میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون ریال)	۳/۸۸۲/۵۰۰/۰۰۰ (سه میلیاردو هشتصد و هشتاد و دو میلیون و پانصد هزار ریال)	۱۴۰۴/۰۸/۱۸ ساعت ۱۹	۱۴۰۴/۰۹/۱۱ ساعت ۱۵
۲	طرح آبرسانی به مجتمع روستایی کته شمشیر (شهرستان فریمان)	۲۰۰۴۰۰۱۴۴۶۰۰۰۱۴۵	۱۵۳/۸۱۷/۷۲۳/۴۲۳ ریال (یکصد و پنجاه و سه میلیارد و هشتصد و هفده میلیون و هفتصد و بیست و سه هزار و چهارصد و بیست و سه ریال)	۷/۶۹۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال (هفت میلیارد و ششصد و نود و یک میلیون ریال)	۱۴۰۴/۰۸/۱۷	۱۴۰۴/۰۹/۰۱

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی سایت اینترنتی ، www.abfakhorasan.ir